

# اقتراح

## چگونه باید نوشت؟

پرسشها و اقتراح‌هایی که مجله سخن از چندین پیش‌درباره رسم الخط زبان ما به میان آورده است کار بسیار پسندیده‌ایست. من از دیر باز این عقیده را داشته‌ام که زبان ما حاجت به يك املاي رسمي و به اصطلاح اروپايي استاندارد برای رسم الخط دارد و بهمین جهت در پاسخ سؤال نخستین که «آیا اتخاذ روش واحد در نوشتن کلمات فارسی ضرورت دارد یا هر کس بر حسب ذوق و سلیقه خود می‌تواند درین باب شیوه‌ای پیش گیرد؟» جداً معتقدم که روش واحد در نوشتن کلمات فارسی حتماً ضرورت دارد چنانکه در زبانهای متمدن امروز همین‌کار را کرده‌اند و همه درین زمینه با هم متفق‌اند.

در پاسخ سؤال دوم که: «اگر باید روش واحدی اتخاذ شود آیا میزان و ملاک آن باید تنها شیوه نویسنده‌گان و کاتبان پیشین باشد یا هر گاه ضرورت اقتضا کند می‌توان از رسم معمول عدول کرد و شیوه‌ای مناسب‌تر پیش گرفت؟» عقیده من اینست که میزان و ملاک این کار تنها نباید شیوه نویسنده‌گان و کاتبان پیشین باشد و باید از آن رسم عدول کرد و شیوه‌ای مناسب‌تر پیش گرفت. درین زمینه این نکته را باید فراموش کرد که پیش از پیدا شدن خط نسخ تعلیق نویسنده‌گان و کاتبان بیشتر رعایت اصول منطقی و زبان-شناسی را در رسم الخط می‌کرده‌اند و بسیاری از کلمات را که ما اینک بيك ديگر متصل می‌کنیم جدا گانه می‌نوشتند.

وقتی که خط نسخ تعلیق در ایران رواج گرفت خوشنویسان تنها در پی زیبایی شکل کلمه رفتند و از اتصال کلماتی که بحق نباید بهم پیوندند برای رعایت زیبایی خودداری نکردند و به این شیوه همه عادت کردند. از پیشینیان مکرر شنیده‌ام که: «خط و سواد با هم جمع نمی‌شود». تا این اندازه نباید مبالغه کرد، اما نادیده نمی‌توان گرفت که بسیاری از خوشنویسان تنها در پی آن گشته‌اند که کلمه زیبایی صوری داشته باشد و اگر با قاعده دستور زبان درست نمی‌آید اهمیت ندهند. در خط شکسته باز کمتر از آن رعایت این نکته را کرده‌اند و بیشتر در پی زیبایی ظاهری رفته‌اند. در زمان حاضر در چاپخانه نیز حروف چینیان در حرکتی که برای برداشتن حروف می‌کنند بیشتر صرفه می‌کنند و ترجیح می‌دهند کلمات را بی مورد بيك ديگر پیوندند و اگر هم نویسنده درست نوشته باشد ایشان رعایت نسخه خط او را نمی‌کنند.

در پاسخ سؤال سوم «آیا شیوه‌ای که برای نوشتن نوع واحدی از کلمات پیش می‌گیریم باید در همه موارد یکسان باشد یا آنکه يك کلمه یا يك نوع از کلمات را در

موردهای مختلف به شیوه‌های گوناگون باید نوشت؟» عقیده من اینست که حتماً این شیوه باید یکسان باشد زیرا ثابت شده است که در هر قاعده‌ای هر چه استثنا کمتر باشد کار کسانی که باید آنرا فرا بگیرند آسان‌تر خواهد بود. مخصوصاً در زبان فارسی من اصولی را که پیش از ما وضع کرده و به تقلید برخی از زبانها در پی استثنا گشته اند درست نمی‌دانم و در عمل بر من ثابت شده است می‌توان قواعد تازه‌ای پیدا کرد که استثنا پذیر نباشد. در آداب کتابت و رسم الخط حتماً باید شیوه یکسان باشد و هیچ استثنایی نباید به میان آورد.

در پاسخ سؤال چهارم «آیا چگونگی فصل و وصل کلمات در رسم خط فارسی باید با قواعد دستور این زبان تناسب و ارتباط داشته باشد یا چون اصل خط ما از عربی اقتباس شده است قواعد صرف و نحو عربی را در شیوه خط منظور باید داشت؟» معتقدم که حتماً باید با قواعد دستور زبان فارسی تناسب و ارتباط داشته باشد زیرا که زبان ما زبان مستقلیست و تابع هیچ زبان دیگر نیست. آنچه ما از زبان تازی گرفته‌ایم باید از هر حیث تابع قواعد زبان فارسی باشد چه از حیث اصول صرف و نحو و چه از حیث رسم الخط چنانکه در تلفظ هم رعایت مخرجهای زبان عرب را نمی‌کنیم و شاید روزی برسد که در املا نیز رعایت اصل را نکنیم. یدران ما هم گاهی تصرفهایی در املا و رسم الخط کلمات تازی کرده‌اند و ازین راه زبانی به ما رسیده است.

تهران ۶ شهریور ماه ۱۳۳۸

سعید نفیسی

برخی از اصولی که تا کنون برای خط فارسی پیش گرفته شده دلیل استوار و قانع کننده‌ای ندارد و بر موازین علمی استوار نیست. از سوی دیگر مراعات زیبایی و گاهی هم اصرار در جا دادن بیش از اندازه واژه‌ها در يك سطر یا مصراع بر طرز نوشتن فارسی فرمانروائی داشته است و از این رو در برخی موارد خط فارسی وضع آشفته‌ای پیدا کرده است و شایسته است که برای اصلاح آن چاره اندیشید و روشی پیش گرفت که همه آن را بپذیرند و به کار بندند. برای پدید آوردن يك شیوه همه پسند به نظر نویسنده باید از ذوق و سلیقه و روش پیشین شخصی و تقلید پیشینیان یکسره چشم پوشید و شیوه نو را بر موازین خرد پسند علمی بنیاد نهاد مثلاً به نظر نویسنده پیوسته نوشتن واژه‌های جداگانه به یکدیگر (مانند «چونکه»، «کسیکه»، «آنت»، «اینست» و پیوسته نوشتن حرف اضافه «به» به واژه‌ای که پس از آن می‌آید) شیوه درستی نیست و دلیل استواری برای آن نمی‌توان یافت و اگر تا کنون چنین نوشته می‌شد یا گذشتگان چنین می‌نوشتند نباید دیگر آن را ادامه داد و نباید به نام حفظ سنت از راه دانش و خرد منحرف شد.

هر اندازه خط بکنواخت تر باشد خواندن آسانتر خواهد بود و اختلاف کمتر پیدا خواهد شد از این رو بهتر است که يك واژه یا يك نوع از واژه‌ها را در همه جا به يك صورت بنویسیم و تفنن را کنار بگذاریم و اگر ناچار شویم که در جایی نوشتن واژه‌ای را تغییر دهیم باید این تغییر نیز به نظر نویسنده با دلیل و روش علمی و خرد پسند انجام

گیرد نه از روی ذوق و سلیقه شخصی و تقلید .

در باره این که در پیوسته یا جدا نوشتن واژه های فارسی باید از شیوه خط عربی پیروی کرد یا نه؟ نظر من منفی است زیرا که خط با زبان رابطه دارد و باید خط هر زبان با اصوات و دستور و ساختمان آن متناسب باشد و چون زبان فارسی زبانی است مستقل با دستور و اصل و تاریخ و پیشینه ای جدا از عربی ، در آن پیروی کردن از خط عربی که خود از ایران رفته دور از راه خرد و دانش است .

### صادق کیا

پاسخ اولین سؤال روشن است . درستست که قواعد زبان مانند قواعد ریاضی و طبیعی مسلم و تغییرناپذیر نیست لیکن از آنجا که وسیله رابطه و تعاطی افکار و عواطف است طبعاً باید مبتنی بر قواعدی باشد که همه آنرا بیک سان تلقی کنند و بیک نحو بکار بندند . مگر تکلم غیر از آنست که اصوات مختلف را تحت ضوابط و با علائم خاص مشترک می ادا کنیم ؟ اگر بنا شود یکی این اصوات را به نحوی و دیگری به هیأت دیگر ادا کند آیا معنی آنها را کسی در خواهد یافت ؟ جواب معلومست . این اصوات که از آنها به حروف و کلمات تعبیر می کنیم علائمی برای معانی و مفاهیم ذهنی ما هستند . عرف عام در هر کشور برای هر مفهوم و معنایی علائم خاصی از اصوات که آنها را کلمه می گوئیم بوجود آورده است . وقتی برای بیان آن مفهوم و معنی علامت معین و متداول بکار رود همه آنرا در خواهند یافت و اگر نه کلام غیر مفهوم و کلمه به اصطلاح قدما « مهمل » یعنی بی معنی خواهد بود .

همین شرط اساسی برای کتابت هم موجود است . خط جانشین مخاطب برای بیان مفاهیم و معانیست یعنی مقداری علائم است که اصوات را نشان می دهد و آنها را تحت قید می آورد . اگر مخاطب حاضر باشد به بیان اصوات و علائم صوتی اکتفا می کنیم و اگر غایب باشد ناگزیریم علائم صوتی را به علائم کتبی تبدیل کنیم . در اینجا هم همان حال پیش می آید که در تکلم و مخاطب وجود داشت یعنی اگر هر يك از علائم کتبی صورت واحد و مشترک می نداشته باشند کسی جز علامت گذار آنها را نمی شناسد و از آنها بی معانی و مفاهیم خاص نمی برد و بالعکس اگر برای هر يك از آنها در میان متکلمان بیک زبان علائم واحد و مشترک می باشد همه آن را به يك نحو می فهمند و همان معنی مقصود را از آن درک می کنند .

خط فارسی یعنی آن خط که ما در دوره اسلامی از اصل عربی گرفته ایم حتماً یکی از خطوط ناقص و دشوار و غیر قابل انطباق بر حوائج واقعی پارسی زبانان است و خواه و ناخواه باید روزی آنها را رها کرد .

من طبعاً متعصب و پای بند روشهای کهنه ای که امروز بکار نیاید نیستم . همانطور که کفش و کلاه و لباس را به اقتضای زمان تغییر می دهیم باید آداب و رسوم خود را نیز متناسب با عصر خود سازیم . اگر گاو آهن را دور می اندازیم و جای آنرا به تراکتور می دهیم چه مانعی دارد که يك عده از قبود غیر طبیعی را در زندگی یا در فرهنگ خود هم بدور اندازیم . اگر ما

بیشدستی نکنیم و خود را با زمان هم‌رنگ نسازیم زمانه ما را با خود هم‌رنگ خواهد ساخت. این همه سماجتهای ابلهانه برای میخکوب کردن ملت ایران در دوره های کهنه و فراموش شده و اعمال و حرکات قرون وسطائی جز مبارزه با زمان چیزی نیست. تنها نتیجه‌ای که از این سماجتها و اصرارها خواهیم گرفت دشنامهای اخلاف و ناسزاهای آنان خواهد بود. ما باید درس‌ن‌ملی و در رسوم و آداب خود تجدید نظر کنیم، و آنچه را که شایسته زمان نیست به دست فراموشی بسپاریم و آنچه را که زمانه می‌پسندد نگاه داریم. به نظر من خط عربی هم یکی از آنهاست. هرچه آنرا بیشتر نگاه داریم عنکبوت و اریشتربه خود تنیده ایم!

بهر حال اکنون این بحث خارج از موضوع را رها می‌کنم و به ذکر این نکته قناعت می‌ورزم که اگر قرار بر آن باشد که در نگاهداری خط دشوار عربی اصرار ورزیم باید حتماً راهی پیش گیریم که از دشواری آن بکاهیم نه آنکه با تشمت آراء و پراکنندگی روشها بر صعوبت آن بیفزاییم و آنرا حتی برای اهل زبان در پارامی موارد غیر قابل فهم سازیم. پس اتخاذ روش واحد در نوشتن کلمات به نظر من ضرورت قاطع دارد و سربچی از آن خلاف عقل سلیم است. این روش واحد را چگونه باید یافت؟

به نظر من باید رسم الخط فارسی را در دوره‌های مختلف مورد تحقیق و مرور قرار داد. تمام مواردی را که قابل نگاهداری است اشخاب و حفظ کرد و آنچه را که مایه صعوبت در خواندن کلمات و فهم آنهاست ترك نمود و هر موردی که حاجت به اخذ تصمیم جدید دارد در باره آن چاره‌ی اندیشید، علت آنکه مراجعه و مرور در رسم خط فارسی ادوار مختلف را پیشنهاد کرده‌ام آنست که رها کردن همه آنها خود مایه تشمت و تفرقه‌تازیه‌ی خواهد بود.

نسبت به سؤال سوم عقیده من یکسان نگاه داشتن شیوه‌یست که برای نوشتن نوع واحدی از کلمات پیش می‌گیریم یعنی به عقیده من و بنا بر مقدماتی که پیش ازین گفته‌ام هرچه به قواعد محدود و معدود نزدیک شویم دایره اشکال خط فارسی را تنگ‌تر خواهیم کرد و از وضع نابسامانی که بتدریج برای خود پدید آورده‌ایم بهتر رها خواهیم شد.

سؤال چهارم به نظر من زائد است. بجه دلیل پیروی از قواعد صرف و نحو عربی را در شیوه خط فارسی منظور داریم. ما هیچوقت عرب نبودیم و بهتر آنست که هیچگاه هم عرب نباشیم. آنها که از میان ملت ما خواسته‌اند عرب شوند زودتر از عرب شدن باز یچه استهزاء زمان شدند و از میان رفتند. با این حال هنوز بسیاری از شوخ‌چشمیهای آنان کربانگیر ماست و ما باید روزی کربان خود را از چنگالهای این سرطان بیرون آوریم تا به آن معنایی ایرانی شویم که فردوسی و هم‌عهدان او بوده‌اند. پیروی از قاعده‌های لغوی و دستوری فارسی در چگونگی فصل و وصل کلمات و رسم خط فارسی نشانه تازیه‌ی از توجه به استقلال معنوی و فرهنگی ما خواهد بود.